

مناجات شعبائیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بارالها، بر محمد و آل محمد درود فرست
و اَسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ اَسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ
و دعای مرا بشنو چون تو را بخوانم و ندای مرا بشنو آن گاه که تو را صدا زنم
و أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ
و به من توجه فرما آن گاه که با تو نجوا کنم چرا که من به سوی تو گریخته‌ام
و وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ
و در پیشگاه تو ایستاده‌ام در حالی که به درگاہت ذلیلانه زاری و تضرع می

کنم

رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي وَ تَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي
و در حالی که به پاداش خیری که نزد توست امید دارم و از دلم آگاهی
وَ تَخْبِرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ
و از حاجتم باخبری و نهانم را می دانی و امر بازگشت به آخرت و منزلگاه
ابدی‌ام بر تو پوشیده نیست

وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَ اتَّقَوْهُ بِهِ مِنْ طَلَبَتِي
و آنچه را می خواهم به زبان آرم از تو مخفی نیست و آنچه را می خواهم از
خواهش خویش بازگو کنم، از تو پنهان نیست

وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَ قَدْ جَرَّتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ

عُمُرِي

و آنچه را برای حسن عاقبتم به تو امید بسته‌ام، بر تو پوشیده نیست؛ چراکه
— ای سرور من — حکم تقدیر از سوی تو، درباره آنچه از من تا آخر عمرم سر می
زند، بر من جاری شده است

مِنْ سَرِيرَتِي وَ عِلَانِيَتِي وَ بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرَرِي
در هر آنچه در نهان و آشکار از من سر می زند و همه فزونی و کاستی، و
سود و زیان من، تنها به دست توست، نه غیر تو.

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي

معبود من، اگر مرا محروم کنی، پس چه کسی مرا روزی دهد؟
و إن خذلتني فمن ذا الذي ينصرتني
و اگر مرا واگذاری و یاری ام نکنی، پس چه کسی یاریام دهد؟
إلهي أعود بك من غضبك و خلول سخطك
الهی، از غضبت و فرود آمدن خشمت، به تو پناه می برم.
إلهي إن كنت غير مستأهلٍ لرحمتك فأنت أهلٌ أن تجود عليّ بفضلٍ سعيتك
خدایا! اگر من لایق رحمت تو نیستم، اما تو سزاواری که بر من، با فراوانی
فضلت بخشش کنی.

إلهي كآني بنفسي واقفة بين يديك و قد أظلمها حسنٌ توكلّي عليك
معبود من! گویا خود را می بینم که اکنون در پیشگاهت ایستاده ام، در حالی
که حُسن اعتمادم به تو، بر وجودم سایه لطف انداخته
فقلت ما أنت أهله و تغمدتنی بعفوك
پس تو آنچه را شایسته آنی با من به جا آوردی و مرا با عفو خویش در بر
گرفتی.

إلهي إن عفوت فمن أولي منك بذلك
معبودم، اگر عفو کنی، کیست که از تو سزاوارتر به عفو باشد؟!
و إن كان قد دنا أجلي و لم يدنني منك عملي
و اگر اجل من نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده باشد،
فقد جعلت الإقرار بالذنب إليك و سيلتي
پس همانا اعترافم به گناه را وسیله خویش به سوی بارگاہت قرار دادم.
إلهي قد جرت عليّ نفسي في النظر لها فلها الويل إن لم تغفر لها
خدای من، من در توجه به نفس خویش بر خود ستم نموده ام، پس وای بر
من اگر مرا نیامرزی!

إلهي لم يزل برّك عليّ أيام حياتي فلا تقطع برّك عني في مماتي
الهی، همچنان که نیکی ات بر من در تمام مدت زندگی پیوسته بود، پس از
مرگ نیز نیکی خویش را از من قطع مکن.
إلهي كيف آيس من حسن نظرك لي بعد مماتي و أنت لم تولني إلا الجميل
فی حیاتی

پروردگارا، چگونه از حسن توجهت پس از مرگم ناامید شوم؟ حال آنکه در

تمام عمر جز به خوبی با من رفتار نمودی!
إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٌ قَدْ غَمَرَهُ
جَهْلُهُ

خداوندا، امر مرا برعهده گیر چنانکه شایسته توست و با فضل و کرم
خویش بر من ترحم نما، بر گنهکاری که در جهل خود فرو رفته است.
إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي
الْآخِرَى

پروردگار من، در این دنیا گناہانی را از من پوشانیدی، و حال آنکه به
پوشاندن آن‌ها از سوی تو در آخرت محتاج ترم.

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
الهي، به من لطف و احسان نمودی که گناہانم را برای هیچ‌یک از بندگان
صالحت آشکار نمودی

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ
پس در روز قیامت نیز در حضور همگان مرا رسوا مفرما.
إِلَهِي جَوْدُكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي
خدایا، جود و بخشش تو امید مرا زیاد نموده، و عفو تو از عمل من برتر و
والا تر است.

إِلَهِي فَسِّرْ لِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ
پس خدای من، در آن روز که بین بندگان داور می‌کنی، مرا با لقای خود
شاد گردان.

إِلَهِي اعْتِذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارٌ مَنْ لَمْ يَسْتَعِنْ عَنِ قَبُولِ عُدْرِهِ
معبودا، عذرخواهی من از تو، عذرخواهی کسی است که به قبول عذرش
سخت نیازمند است

فَأَقْبَلْ عُدْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ
پس عذر مرا بپذیر! ای کریم‌ترین کسی که بدکاران از او پوزش طلبیده‌اند!
إِلَهِي لَا تَرُدُّ حَاجَتِي وَ لَا تُخَيِّبْ طَمَعِي وَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَ أَمَلِي
بارالها، حاجتم را رد مکن و چشم طمع مرا نومید مساز، و امید و آرزویم را
از خود قطع مفرما.

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

معبود من، اگر خواری مرا می‌خواستی، هدایت نمی‌کردی؛ و اگر رسوایی ام را می‌خواستی به من عافیت نمی‌بخشیدی.

إلهی ما أظنك تردُّني في حاجةٍ قد أفنيتُ عمري في طلبها منك
خدایا، این گمان را به تو ندارم که مرا در حاجتی که عمرم را در پی آن سپری کردم، ناامید کنی!

إلهی فلک الحمدُ أبداً أبداً دائماً سرمداً

پس خدای من، ستایش و سپاس مخصوص توست، ستایشی ابدی و همیشگی، و دائمی و سرمدی

یزیدٌ ولا یبیدُ كما تُحبُّ وترضی

ستایشی که فزونی یابد و فنا نپذیرد، آن‌گونه که دوست داری و می‌پسندی.
إلهی إن أخذتني بجرمي أخذتک بعفوک و إن أخذتني بذنوبي أخذتک بمغفرتک

بارالها، اگر بنا بر جرمم با من تعامل کنی، من با عفوَت به تو روی آورم، و اگر بر گناهم مرا مؤاخذه کنی، من به آمرزشَت بنگرم
و إن أدخلتني النارَ أعلمتُ أهلها أنني أُحِبُّک
و اگر مرا به دوزخ اندازی، به اهل جهنم اعلام خواهم کرد که من تو را دوست دارم!

إلهی إن کانَ صغرَ فی جنبِ طاعتک عملي فقد کبرَ فی جنبِ رجائک املی
خداوندا، اگر برای طاعت تو، عملم اندک است، اما در کنار امید به تو، آرزویم بزرگ است.

إلهی کیف أنقلبُ من عندک بالخيبةِ محروماً و قد کانَ حُسنُ ظنِّي بجدوکَ
أن تقلبني بالنجاةِ مرحوماً
إلهی، چگونه از درگاه لطف تو نومید و محروم بازگردم؟ و حال آنکه به جود و بخشش تو خوش‌گمانم که مرا نجات یافته و بخشوده از درگاه لطف بازگردانی.

إلهی و قد أفنيتُ عمري في شرِّ السُّهُوِ عنک و أبلیتُ شبابی فی سکرَةِ التَّباعِدِ مِنْک

خدای من، من عمرم را در غرور غفلت از تو، نابود کردم؛ و جوانی ام را در مستی دوری‌گزیدن از تو فرسوده ساختم.

إلهی فَلَمْ أَسْتَيْقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ وَرُكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ
خداوندا، من هنوز هم در روزگارِ خوابِ غفلت از تو، و میل به مسیر مورد
غضبَت به سر می برم و بیدار نشده ام.

إلهی و أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ
پروردگارا، من بنده تو و فرزند بنده توام، در پیشگاه تو ایستاده ام؛ و لطف و
کرم تو را وسیله خود به درگاہت قرار داده ام.

إلهی أَنَا عَبْدٌ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أَوْجِهْتُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ
معبودا، من بنده ای هستم که به عذرخواهی به درگاہت آمده ام؛ عذرخواهی
از گناهان زشتی که به واسطه بی حیایی در حضورت مرتکب شده ام
و أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكِرَمِكَ

و از تو عفو و بخشش می طلبم؛ زیرا بخشش، توصیف کننده کرم توست!
إلهی لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلُ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتِ أَيْقَظَنِي لِمَحَبَّتِكَ
الهی، توانی ندارم که از معصیت بیرون روم، مگر آن زمان که برای ادراک
محبتت، بیدارم کنی

و كَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ
أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنكَ

و چنان شوم که تو خواهی تا تو را سپاس گویم که مرا در آستان کرم خویش
وارد ساختی؛ و تا شکر گویم، که قلبم را از پلیدی های غفلت از خودت، پاک
گردانیدی.

إلهی أَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ
خداوندا، مرا مانند بنده ای بنگر که چون او را خواندی اجابت نمود؛ و چون
از او به همراه یاری خود، طاعت طلبیدی،

اطاعتت ورزید

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ
ای نزدیکی که از فریفتگان احسانش دور نیست! و ای سخاوتمندی که از
امیدواران به ثوابش بخل نمی ورزد!

إلهی هَبْ لِي قَلْبًا يَدِينِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يَرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقَهُ
الهی، دلی به من عطا کن، که اشتیاقش او را به تو نزدیک نماید، و زبانی به
من عنایت کن، که راستگویی اش به سوی تو بالا رود

و نَظْرًا يَقْرَبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

و نگاهی که حق بودنش، آن را به تو نزدیک سازد.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ و مَنْ لَادَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ و مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ

خدای من، هر که به تو شناخته شود، مجهول و بی نام نیست؛ و آنکه به تو پناه برد، بی یار و یاور نیست؛ و هر که تو به او توجه کنی، بنده دیگران نیست.

إِلَهِي إِنَّ مَنْ انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنِيرٍ و إِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ و قَدْ لُدْتُ بِكَ

یا اِلهی

پروردگارم، آنکه به سبب تو راه خویش را یافت، راهش روشن است و هر آن کس به تو پناه جست، پناه یافت. و من به درگاه تو پناه جستهم، ای خدای من! فَلَإِ تُخَيِّبُ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ و لَا تُحْجِبْنِي عَن رَأْفَتِكَ پس خوش گمانی ام به رحمتت را ناامید مکن؛ و مرا از پرتوی رأفت و مهربانی خویش محروم منما.

إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وِلَايَتِكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

پروردگارا، مرا در میان اولیای خود، در جایگاه کسانی قرار ده که به زیادتِ محبتت امید دارند.

إِلَهِي و أَلْهِمْنِي وَاكْتِرَابَ ذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ و هِمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ و مَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا، و با ذکر خودت، شیفتگی و اشتیاق نسبت به یادت را به من الهام کن؛ و همتم را به کامیابی از نسیم نام‌های نیکوی خود، و جایگاه قدس و پاکی ات نائل ساز.

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ و الْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

ایلهی، به حق خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان، و به منزلگاه شایسته رضایت خویش نائل گردان

فَأِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا و لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

زیرا که من نه قدرت دارم شری را از خویش دور سازم و نه می توانم نفعی را برای خود جلب نمایم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المَذْنِبُ و مَمْلُوكُكَ المُنِيبُ

الهی، من بنده ضعیف و گنه‌کار توام و بنده تو هستم که به انابه به پیشگاهت

آمده‌ام

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوَةً عَنِ عَفْوِكَ

پس مرا جزو کسانی که از آنان روی خود را برگرداندی قرار مده؛ و [مرا از کسانی قرار مده که] به سبب غفلت، از عفو تو در حجاب‌اند.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَنْرِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بَضِيَاءَ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

بار خداوندا، نهایتِ رها شدن [از غیرِ تو و انصراف] به سوی خودت را به من

عطا کن و چشمان دلمان را به نورِ نظر به خودت نورانی فرما

حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَ تَصِيرَ

أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ

تا آنجا که چشمان دلهایمان، حجابهای نور را بشکافد، سپس به منبع عظمت

تو واصل گردد، و ارواح ما در حریم بهاء و قدس تو به پرواز درآید.

إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظَتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ

خداوندا، مرا از آنان قرار ده که آنان را [به سوی خود] خواندی، پس تو را

اجابت نمودند؛ و با گوشه‌چشمی به آنان نظر کردی، پس در مقابل جلالت، مدهوش

گشتند

فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا

سپس با آنان در سویدای دلشان به‌راز سخن گفتی، و آنان برای تو آشکارا

عمل نمودند.

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْإِيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ

كَرَمِكَ

معبودا، من ناامیدی را بر حُسنِ ظنِّم به تو، غلبه نداده‌ام؛ و امیدم از بخشش

زیبایت قطع نشده‌است.

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خداوندا، اگر خطاهایم مرا از چشم تو انداخته است؛ پس به‌خاطر حُسن

اعتمادم به تو، مرا ببخش!

إِلَهِي إِنْ حَطَّتْ نِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

خدای من، چنانچه گناهان مرا از شایستگی عنایت‌های لُطْفَت ساقط کرده،

اما یقینم مرا به‌سوی بزرگیِ عَطُوفَتَت متوجّه نموده است.

إلهي إن أنامتنى الغفلة عن الاستعداد للقاءك فقد نبهتني المعرفة بكرم آلائك
پروردگار من، و اگر غفلتم مرا از آمادگی دیدار تو به خواب افکنده، اما
آگاهی من از نعمت‌های کریمانه‌ات مرا بیدار نموده است.

إلهي إن دعاني إلى النار عظيم عقابك فقد دعاني إلى الجنة جزيل ثوابك
خداوندا، و چنانچه کیفر عظیم تو، مرا به سوی آتش می‌خواند، اما پاداش
فراوانت، مرا به سوی بهشت فراخوانده است

إلهي فلک أسألُ وإليك أتَهَلُّ وأرغبُ
پس ای معبود من، من فقط از تو درخواست می‌کنم، و فقط به درگاه تو با
نال و زاری و شوق، تضرع می‌ورزم

و أسألك أن تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ و آلَ مُحَمَّدَ و أن تَجْعَلَني مِمَّنْ يَدِيمُ ذِكْرَكَ
و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آنان قرار
دهی که همواره به یاد تو هستند

و لا يَنْقُضُ عَهْدَكَ و لا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ و لا يَسْتَخْفِ بِأَمْرِكَ
و پیمان تو را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نمی‌شوند و امر تو را سبک نمی
شمارند.

إلهي و الْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا و عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا و
مِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

خداوندا، و مرا به نور عزتت که بهجتانگیزتر از هر چیز است ملحق فرما تا
آنکه تو را بشناسم و از غیر تو روی گردان شوم، و پیوسته از تو در خوف و مراقبت
باشم.

يا ذا الجلال والإكرام
ای دارای جلال و بزرگی، و ای صاحب کرامت و لطف
و صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدَ رَسُولِهِ و آلِهِ الطَّاهِرِينَ و سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا
و درود خدا بر فرستاده‌اش محمد و خاندان مطهرش باد، و سلام بسیار و
خاص حق بر ایشان باد.